

استبداد دینی و دموکراسی دینی

اول اسفند ۱۳۸۸ (۲۵۴۸)

امیر فیض - حقوقدان

آقای سروش که یکی از افراد اطلاق فکر جنبش سبز (بخوانید جنبش خزه ها) می باشد در تفسیر جنبش چپین نوشته است: «واقعیت این است که درون جنبش سبز هم دینداران و هم غیر دینداران و هم چپ ها و سکولار های فلسفی و حائز افرادی از انجمن حجتیه وجود دارند» ایشان سکولاریسم فلسفی را چنین تعریف کرده است:

«سکولار فلسفی معادل بابی دینی و بی اعتقادی به دیانت و نوعی ماتریالیسم است.»

اما راجع به استبداد دینی و دموکراسی دینی تفسیری دارد که این تحریر بمناسبت همان تفسیر او تنظیم گردیده است.

قبل از بحث درباره تفسیر نظر ایشان این آشنائی لازم است، که تماما انکار و نظرات آقای سروش اقتباس از آقای حائری یزدی (آنخوند ملقب به آیت الله) مقیم آلمان است که در چند سال قبل فوت کرد.

حائری که وابسته به جبهه ملی بود در این راستا کوشش می کرد که تلفیقی بین اسلام و حکومت اسلامی و دموکراسی بوجود بیاورد و در واقع همان تر بازرگان که در سخنرانی مورخ ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ (۲۵۱۷) ایراد کرد و در روزنامه اطلاعات ۲۱ بهمن منتشر گردید راجا بیاندازد «... و در واقع بین اسلام و دموکراسی نه تنها تعارضی نیست بلکه حکومت اسلامی نوعی دموکراسی دینی است.» (بازرگان). در زمان فعالیت ایشان، آقای سروش در مسائل دینی دخالتی نداشت و جذب جمهوری اسلامی بود، بعد از گذشت حائری یزدی ماموریت حائری به ایشان محول شد.

آمریکاییها برای تلفیق بین اسلام و دموکراسی بسیار کوشش ها کردند و این تلاش ها تا حائری زنده بود بوسیله او صورت می گرفت و بعد از گذشت او به سروش محول شد. آقای سروش دقیقا همان راه حائری را پیمو با انحرافی که نشان از سطحی بودن برداشت از اظهارات حائری است.

اسلام آمریکایی (!)

اصطلاح «اسلام آمریکایی» بعد از سخنرانی حائری در آصفی تاتر دانشگاه «امریکن» به ادبیات اسلامی افزوده شد و آن عنوان رشته مقالاتی بود که سکر در پاسخ به سخنرانی حائری منتشر ساخت و بعد با ایرانیانی آن رشته مقالات را از سکر استخراج و بصورت کتابی زیر عنوان «اسلام آمریکایی» در آوردند.

در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۶۷ (۲۵۲۷) جامعه معلمین کشور در خارج از ایران که ریاست آنرا محمد درخشش داشت جلسه ای برای سخنرانی آقای حائری یزدی در آسمنی تاتر دانشگاه «آمریکن» ترتیب میدهد و از حائری یزدی بعنوان مجتهد طراز اول - دکترای الهیات از دانشگاه تهران - دکترای فلسفه از دانشگاه تورنتو، استاد فلسفه و ادبیات در دانشگاه های تهران - آکسفورد، جورج تاون، میشیگان، تورنتو و مک کیل یاد کرد.

آوردن اعتراض به اظهارات حائری یزدی که همان سروش امروزی است که حدود ۱۰۰ صفحه است کار این لایحه و این روزها نیست؛ فقط یک جمله ای از اظهارات حائری رامی آورم که نشانه کلی و معنای آنرا با اظهارات سروش بروشنی به بینیم.

«فردشناسی یکی از اصول سیستم اسلامی است و هم یکی از هسته های مرکز دموکراسی. بنده فکر میکنم اسلام پیشی دارد بر تمام سیستم های حکومتی و بخصوص دموکراسی و حداقل در مورد فردشناسی که یکی از اصول دموکراسی است، اسلام هماهنگی بسیار کاملی با دموکراسی دارد» حائری یزدی صفحه ۱۱ - ۱

واما بعد - استبداد دینی و دموکراسی دینی

عبدالکریم سروش اعدادارد که:

«در جامعه امروزی کشور ما استبداد دینی حاکم است و قبل از استبداد دینی و قبل از انقلاب ۵۷ استبداد سلطنتی حاکم بوده است حال اگر ما بتوانیم از استبداد دینی سخن بگوییم پس می توانیم از دموکراسی هم سخن بگوییم.»

دموکراسی دینی بیچ تفاوتی با دموکراسی ندارد و تنها چون مسؤلیت بر عهده دینداران است می تواند نامش دموکراسی دینی باشد. در یک دموکراسی دینی حد اکثر سعی می شود قوانینی که با قوانین دینی منافات دارد به تصویب نرسد این قوانین قطعی و ضروری هم در اسلام بسیار محدود هستند، فتاوی زیادی ممکن است وجود داشته باشد اما می توان به مهمترین آنها گفت که دو حد و حدود صورت لزوم اجتهاد تازه کرد و همین ضامن اسلامی شدن قوانین است و بقیه دین به پابندی قلبی خود مومنان باز میگردد که چقدر در عمل به شریعت اهتمام دارند»

هدف از این تحریر پانچ به اظهارات سروش نیست، چرا که همانطور که عرض شد آنچه که امروز سروش می گوید کل آنرا حائری یزدی گفته و بخش مهمی از اظهارات او که در سخنرانی آسمنی تاتر دانشگاه «آمریکن» مطرح شد و در یکصد صفحه پانچ کوئی، اببدال آن روشن شده است و مسائل مهم روز هم اجازه تکرار آن را نمی دهد، فقط به ذکر یکی دو مورد اشاره بشود کافی است.

^۱ - انسان از خواندن چنین جملاتی که نه انشای درستی دارو نه برمبنای فلسفی است و نه برمبنای حقوق مدنی و نه برمبنای حقوق شناخته شده و نه در دکان هیچ عطاری پیدا می شود به سواد خودش مشکوک می شود... (!) وقتی انسان جملات کسانی مثل حائری یزدی، سروش یا علی شریعتی را می خواند و به وصله پینه و لحاف هزار تکه آنها نگاه میکند میفهمد چقدر این تکه برداری ها از جا های کثیف و سخیف آمده و بنظرش می رسد آن خزعبلات را پس از صرف تریاک و یا ویسکی یا بنگ و وافور افاضه فرموده اند. امروز یک جوان ۱۴ ساله ایرانی درک بسیار، بسیار قوی تری از دموکراسی و دین دارد تا این حضرات که مدعی دکترای فلسفه هستند... ح-ک

سخن بگوئیم

هرکس می تواند هر چه دلش میخورد سخن بگوید ولی آن سخنی، سخن شناخته می شود که درش حکمت باشد یعنی زیر بنای آن صحبت با قانون و یا شرع باشد والا نظرات است و نظر هم اعتباری ندارد، در مقابل نص و قانون. آنچه آقای سروش درباره دموکراسی دینی گفته اند، نظرات است و حقوق اسلامی یا حقوق مدرن کوچکترین حمایت و تائیدی بر آن ندارد. اساساً حقوق اسلامی کوچکترین اعتباری به دموکراسی که ناشی از حق حاکمیت مردم است نمیدهد تا چه رسد که بخشی از دموکراسی بدین اختصاص یافته باشد و یا برعکس.

استبداد سلطنتی

آنچه که مراد از این تحریر است تخصیص عنوان «استبداد سلطنتی» به دوران سلطنت مشروطیت ایران است. استبداد، طرز حکومتی است که حاکم مقید به قانون نباشد و به میل و اراده خود حکومت کند بنابراین دوران سلطنت مشروطه ایران از آنجا که در مسیر قانون اساسی و متمم آن حرکت سیاسی داشت نمی تواند استبداد سلطنتی تلقی گردد اساساً تاریخ ایران هیچگاه سلطنت استبدادی وجود نداشته است و سلاطین قبل از مشروطیت نیز در چهار چوب قانون اسلام و شریعت و فتاوی مراجع تقلید عمل می کرده اند. جمهوری اسلامی نیز استبداد حکومتی نیست زیرا که داری قانون اساسی است و در چهار چوب آن قانون مقید به عمل است پس حکومت مشروطه است نه استبدادی ولی از آنجا که قوانین کلی و غیر قابل تغییر شناخته شده است ذات استبداد در خود دین اسلام است و ارتباطی به حکومت ندارد. سروش نوشته است: «دموکراسی دینی هیچ تفاوتی با دموکراسی ندارد، تنها چون مسئولیت بر عهده دینداران است نامش دموکراسی دینی است» با آنکه حائری یزدی خیلی کوشید که بین دموکراسی و اسلام یک هم آهنکی نامه مواری هم که شده بوجود بیاورد و لاجرم محلات گفت و پانخ قاطع و مستند به آیات قرآن و نظرات حقوقدانان اسلامی و غیر اسلامی گرفت، معذابه چنین محلی که سروش مدعی شده است بنی بر اینکه «تفاوت دموکراسی با دموکراسی دینی در این است که مسئولیت در دموکراسی دینی با دینداران است» گفته است.

آدم خیلی باید نسبت به دموکراسی و ارکان و شرایط آن بی اطلاع باشد که چنین نظریه یابی را جرات کند به میان آورد.

امیر فیض - حقوقدان